

اخبار

موزه پردازی به جای دفن آثار هنرمند



امیر سقراطی موزه‌پرداز نمایشگاه بهرام دبیری، هدف نمایشگاه بهی آینده سپرده شد» را نمایش زیست هنرمند در بستر آثار و قدرانی از او به‌عنوان نقاشی دانست که زندگی را می‌ستاید.

به گزارش مهر، نمایشگاه آثار بهرام دبیری در موزه هنرهای معاصر تهران با عنوان «به آینده سپرده شد» با رویکردی تازه در مفهوم «موزه‌پردازی» و با انتخاب دقیق آثار از گنجینه شخصی هنرمند برگزار شده است. چیدمان این نمایشگاه با نگاه می‌پژوهشی و زیبایی‌شناسانه توسط امیر سقراطی و حسین گنجی انجام گرفت تا ضمن حفظ روح آثار، روایت کاملی از سیر خلاقیت و زیست هنری دبیری ارائه شود.

روایت شاعرانه زیست هنری بهرام دبیری امیر سقراطی موزه‌پرداز و کیوریتر نمایشگاه «به آینده سپرده شد» درباره این نمایشگاه بیان کرد: آثار نمایشگاه بهرام دبیری شامل نزدیک به ۶۵ اثر از گنجینه آثار وی هستند که از میان بیش از ۱۰۰ اثر و دفترچه وی به نمایش درآمده اند. انتخاب‌ها بر پایه اندازه، مضمون و کیفیت آثار صورت گرفت تا روایت موزه‌پردازانه زندگی و ذهن هنرمند کامل‌تر بیان شود.

موزه‌پرداز و کیوریتر نمایشگاه افزود: چند اثر بزرگ انقلابی و تعدادی از آثار شاعرانه و خیال‌پردازانه نیز در مرکز چیدمان قرار گرفتند. تمرکز اصلی، بر «شاعرانگی» و ارتباط دبیری با ادیبان و نویسندگان از غلامحسین ساعدی تا شاعران معاصر بود که با نقل‌قول‌هایی در کنار تابلوهاهم‌راهی شدند.

جایگاه اسطوره‌ای زن در آثار ادبی وی در ادامه صحبت‌هایش با تأکید بر اینکه زنان و اسطوره در آثار دبیری جای دارد، گفت: در آثار دبیری، تصویر زن جایگاهی اسطوره‌ای دارد. زن در آثار او نه صرفاً انسانی عادی، بلکه نماد شعر و الهام است. این رویکرد باعث شده تا آثارش بیش از آنکه سیاسی باشند، جلوه‌هایی از «روح هنرمندانه و شیفتگی به نقاشی» را نشان دهند. در این نمایشگاه همچنین نمونه‌هایی از مجسمه، نمد و فرش‌های طراحی‌شده توسط او قرار گرفته است تا گستره متراول و خلاقیت چندرسانه‌ای این هنرمند، فراتر از بوم نقاشی به نمایش درآید.

موزه‌پردازی به جای دفن آثار هنرمند سقراطی در پاسخ به پرسشی درباره مفهوم «موزه‌پردازی» توضیح داد: واژه «موزه‌پردازی» توسط رضا دبیری‌نژاد جایگزین اصطلاح انگلیسی «کیوریتری» شده است که در این نمایشگاه معنایی کاربردی پیدا کرد و تلاش بر آن بود تا گنجینه از حالت دفن‌شده خارج و به زندگی بازگردد. موزه‌پرداز و کیوریتر نمایشگاه ادامه داد: در این رویکرد، دست‌نوشته‌ها، عکس‌ها، پوسترها، کالاکت‌ها و یادگارهای بهرام دبیری کنار آثار قرار گرفت تا روح زنده خلاقیت در برابر مخاطب آشکار شود. هدف «به آینده سپرده شد»، نمایش زیست هنرمند در بستر آثار و تقدیر از او به‌عنوان نقاشی است که زندگی را می‌ستاید.

لزم ساخت «موزه مادر» برای نگهداری آثار الهادی نوری

وی همچنین درباره چالش‌ها و چشم‌انداز آینده موزه هنرهای معاصر تهران گفت: محدودیت فضای گنجینه، دغدغه بودجه و نبود نظام استاندارد نگهداری آثار، مانع توسعه نمایشگاه‌هایی است که قرار است در موزه برگزار شوند. به همین دلیل، نیاز فوری به ایجاد «موزه مادر» و «مخزن ملی استاندارد» برای نگهداری آثار اهدا شده از سوی هنرمندان احساس می‌شود. اگر از امروز پروکتل مشخصی برای جمع‌آوری و حفاظت آثار هنرمندان زنده تدوین شود، می‌توان پایه معتبری برای پژوهش هنری آینده فراهم کرد.

ضرورت مستندسازی زندگی هنرمندان
سقراطی در پایان از ضرورت مستندسازی زندگی هنرمندان سخن گفت و با اشاره به تجربه نگارش کتاب‌هایی درباره هنرمندان همچون هادی سیف و حسین محبوبی، تأکید کرد: فقدان اسناد زیستی هنرمندان، پژوهشگران را با چالش روبه‌رو کرده است. بسیاری از اطلاعات پس از درگذشت هنرمندان از دست می‌روند و بنیادهای هنری ایران هنوز ساختار رسمی برای حفظ این میراث ندارند. بهرام دبیری از معدود هنرمندانی است که با هوشیاری آثار خود را به موزه اهدا کرده تا نسل آینده از این گنجینه تاریخی بهره‌مند شود.

گرایش فشار روحی هنرمند با هوش مصنوعی

این پرسش‌ها، نقطه شروع گفت‌وگوی ما با جمشید حقیقت‌شناس بود؛ نقاشی که آثارش بارها در داخل و خارج از کشور به نمایش گذاشته شده و اکنون مدیریت گالری‌های خانه هنرمندان را بر عهده دارد. حقیقت‌شناس نه تنها با نگاه یک هنرمند به مسئله می‌نگرد، بلکه تحلیل‌هایش از روندهای فرهنگی و تکنولوژیک، دریچه‌ای تازه به فهم تعامل میان انسان و هوش مصنوعی در عرصه هنرهای تجسمی می‌گشاید.

کارایی هوش مصنوعی در حوزه هنر؟ سوالی که پاسخ آن مشمول زمان می‌شود. حقیقت‌شناس هوش مصنوعی را ابزاری می‌داند که می‌تواند امکانات گسترده‌ای در اختیار هنرمندان قرار دهد، اما تأکید دارد که نحوه استفاده از آن اهمیت تعیین‌کننده دارد. او در این رابطه می‌گوید: «من قبلاً هم توضیح دادم که اگر ما ای‌ای و هوش مصنوعی را ابزار تصور کنیم، بله، خوب است، چون هر ابزاری قابل استفاده است. نحوه استفاده از ابزار به افرادی که با آن کار می‌کنند و حوزه‌های مختلفی که ابزار در آن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، بستگی دارد. در واقع، این هوش، هوش طبیعی نیست، هوش مصنوعی است و هوش مصنوعی موضوعش عقلانیت است؛ یعنی شامل استدالات ریاضی می‌شود و محاسباتی انجام می‌دهد که موجب می‌شوند تمام امکاناتی که تاکنون در این حوزه مورد استفاده بوده است، در دسترس تمام کاربران قرار بگیرد. یعنی یک امکان بسیار بزرگ، فراتر از هر چیزی که تا حالا بوده است؛ این یک دستاورد عجیب است.»

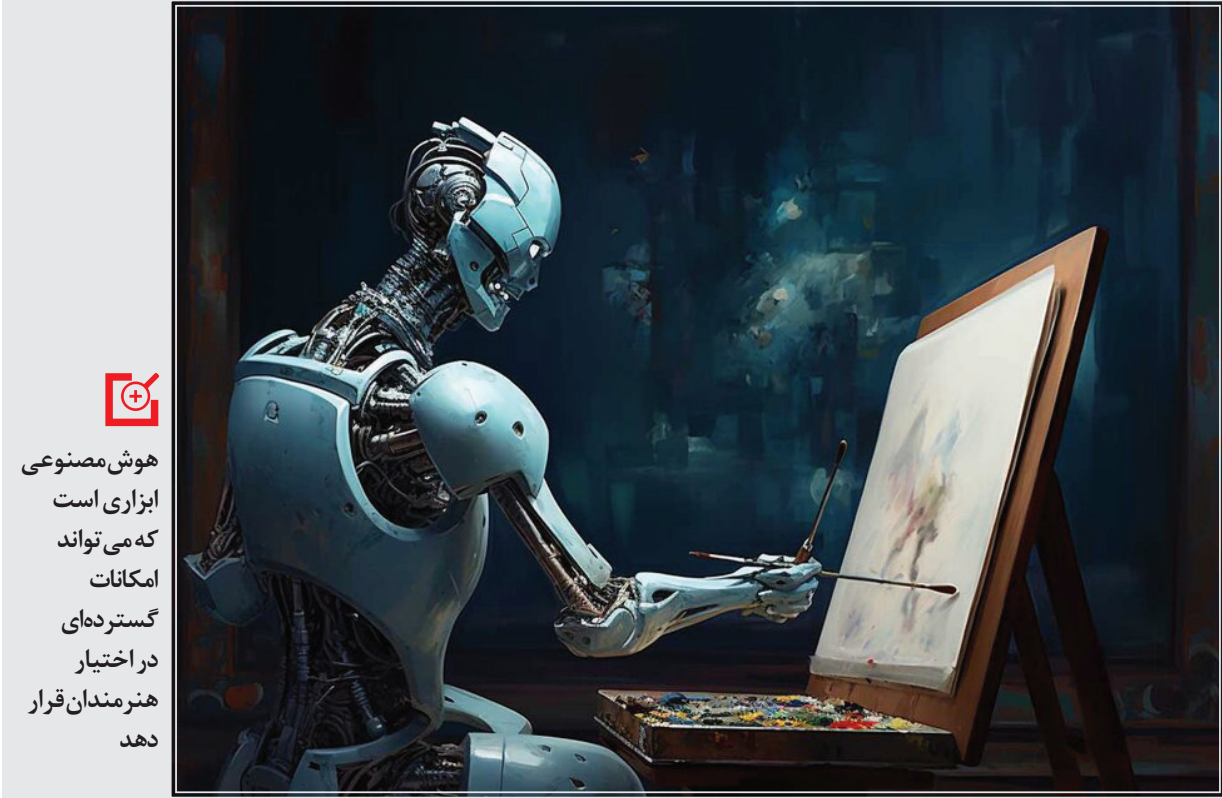
حقیقت‌شناس در پاسخ به این سؤال که آیا آثار تولیدشده توسط هوش مصنوعی را هنر می‌داند یا صرفاً محصولی بدون ارزش هنری، می‌افزاید: «وقتی ما شروع به قضاوت درباره امری می‌کنیم که هنوز اثبات نشده است، یعنی مسیر را اشتباه رفته‌ایم و درواقع مانع ظهور معنای آن چیزی شده‌ایم که باید ظاهر شود. من فکر می‌کنم زمان می‌برد تا ببینیم هوش مصنوعی در حوزه هنر به شکل عام و حوزه هنرهای تجسمی به شکل خاص، به درد می‌خورد یا نه، کمک می‌کند یا نه، جایگاهش کجاست و امکان استفاده از آن در چه حوزه‌هایی فراهم است؟ مثل هر پدیده دیگری که در جهان ارائه می‌شود، این هم یک پیشنهاد است و نحوه استفاده ما از این پیشنهاد است که اهمیت دارد. هوش مصنوعی استنتاج وضعیت موجود برای حال حاضر است. تصویری که ما داریم و فکر می‌کنیم موضوع هوش مصنوعی برای آینده است؛ اشتباه است؛ چنین چیزی نیست. در دستاوردی که انسان ایجاد می‌کند، برای زمان حال خودش است.»

کمک‌کننده‌هایی که ممکن است تبعات هم داشته باشند او با تأکید بر این که کمک هوش مصنوعی در بالا رفتن سرعت تصمیم‌گیری بسیار مهم است می‌گوید: «می‌دانیم که کنترل قسمت‌هایی بسیار مهم در ساختار بدن اساسا در اختیار ما نیست؛ مثلاً ضربان قلب، گردش خون، نوع واکنش به بیماری‌ها و بسیاری چیزهایی دیگر که بدن سالمی به آن‌ها نیاز دارد، خارج از حیطه مسئولیت و اراده ماست. در حالی که این‌ها اگر در اختیار ما قرار بگیرد، قطعاً خواهیم دید، چون باید تصمیم بگیریم که قلب‌مان بزند یا نزنند؛ پس خودبه‌خود به سمت گرمی‌رویم، چون تأخیر در تصمیم‌گیری باعث مرگ می‌شود. در واقع، هوش مصنوعی توسعه‌دهنده و کمک‌کننده به افزایش سرعت تصمیم‌گیری است. یکی از چالش‌های تمدن‌ها کندی تصمیم‌گیری است؛ یعنی پارامترهای زیادی وجود دارد که باید آن‌ها را بررسی کرد تا بتوان تصمیم گرفت، مثلاً تصمیم بگیري که چاه آب حفر کنی یا نه یا خیلی از موارد این‌چنینی که نیازمند زمان طولانی برای تصمیم‌گیری است و این گاه‌ها موجب آسیب می‌شود. ضمن این که ابزار نیست که اهمیت دارد، کاربر است که اهمیت ابزار را نشان می‌دهد. مثلاً یک قلمو می‌تواند در دست هر کسی باشد؛ مهم این است که او با آن قلمو چه می‌کند. در واقع، قلمو یک امکان در دست انسان است، اما خود به تنهایی معنا ایجاد نمی‌کند. مسئله اصلی این است که نحوه استفاده

ترس از هوش مصنوعی نشانه ضعف است

هوش مصنوعی امروز وارد دنیای نقاشی و هنرهای تجسمی هم شده و پرسش‌هایی جدی درباره خلاقیت، ارزش هنری و مالکیت آثار به وجود آورده است. جمشید حقیقت‌شناس، نقاش و مدیر گالری‌های خانه هنرمندان، معتقد است این فناوری تنها ابزاری است برای کیفیت‌بخشی و تسریع فرآیند تصمیم‌گیری و نه تهدیدی برای خلاقیت انسانی.

در چند سال اخیر، بحث تأثیر هوش مصنوعی بر هنرهای تجسمی و به ویژه نقاشی، به یکی از موضوعات داغ دنیای هنر تبدیل شده است. ابزارهایی که پیش‌تر تنها در حوزه محاسبات و علوم ریاضی کاربرد داشتند، اکنون به کمک هنرمندان آمده‌اند تا فرآیند خلق آثار را سریع‌تر، دقیق‌تر و گاه جسورانه‌تر کنند. به گزارش خبرنگاران، این تحولات اما پرسش‌های بنیادینی را پیش روی هنرمندان و مخاطبان آثار هنری قرار داده است: آیا هنر تولید شده توسط هوش مصنوعی، همچون آثار کلاسیک، خلاقیت و ارزش هنری دارد؟ نقش امضای هنرمند در دنیایی که ماشین‌ها می‌توانند ایده‌ها را خلق کنند، چه خواهد شد؟ و مهم‌تر از همه، مواجهه ما با این ابزارهای نوین باید مبتنی بر ترس باشد یا دانش و تجربه؟



انجام می‌دهد؛ یعنی مشخص می‌کند این اثر را چه کسی خلق کرده است، نه این که ارزش افزوده‌ای به آن بخهد. اخیرا در حوزه بیزینس آثار هنر، این موضوع بیش از حد برجسته شده است، در حالی که اهمیت آن‌چنانی ندارد. مهم‌تر روند و پروسه‌ای است که هنرمند طی کرده تا به جایگاهی برسد که آثارش تأثیرگذار باشند یا نباشند. وقتی می‌گوییم «اثری امضا دارد»، یعنی این پروسه وجود داشته است. شرکت‌های بزرگ صنعتی هم فرآورده‌های خود را با آرم و نشان عرضه می‌کنند. نکته‌ای که نباید فراموش شود این است که هوش مصنوعی زاده ذهنیتی است که قائل به حضور نوابغ است؛ نوابغ کسانی هستند که با سرعت بیشتری فکر می‌کنند و به نتایج درست‌تری می‌رسند. این هوسان‌سازی، رفتاری است که جهان معاصر به دنبال آن است. قبلاً ادیان بودند که نوعی هوسان‌سازی در پرستش آفریدگار به وجود می‌آوردند؛ این هم همان است و نوعی گذرگاری به شمار می‌رود؛ یعنی اگر بدانیم انسان در هر شرایطی کامل است، شرایط کامل‌تر شدن و انتقال آن‌چه هست فراهم می‌شود.»

او در ادامه درباره گرگانی‌ها از کاهش خلاقیت هنرمند با کمک هوش مصنوعی، و به اصطلاح رنج و غرق‌ریزان روحی که هنرمند متحمل می‌شود تا اثری بیافریند، می‌افزاید: «این بحث از نظر من اشتباه است. ما به عنوان هنرمند شخصا تمایلی به تحمل زحمت و رنج نداریم، بنابراین این کلمه از نظر من باری منفی دارد و به نوعی سرکوب دستاوردهایی است که بشر دقیقاً با همان رنج تولید کرده است. به نظر می‌رسد اگر این مفهوم فکر کنیم، می‌پذیریم که هوش مصنوعی هم محصول کار افرادی است که می‌خواهند به ما کمک کنند تا مسائل‌مان را بهتر حل کنیم. البته همان‌طور که شاید بدانید در سنجش هنر دو سویه وجود دارد؛ یکی کیفیت‌بخشی و یکی کنترل کیفیت. تکنولوژی علاوه بر

تلفیق هوش مصنوعی و هنرهای تجسمی
حقیقت‌شناس در پایان، درباره مواجهه با گسترش روزافزون این ابزار، تأکید کرد: «به نظر من، ترسیدن بدترین شکل رفتار ما با هر پدیده است. بهترین شکل، دانایی و دانش نسبت به آن موضوع و نسبت به خودمان است. ایرانی‌ها در گذشته تأثیرگذار بوده‌اند، نه به خاطر این که آدم‌های عجیب و غریبی بوده‌اند، بلکه به این دلیل که در مواجهه با چیزهای جدید و ناشناخته نمی‌ترسیدند و به دل آن‌ها می‌رفتند، صفر تا صد آن را درمی‌آوردند و حتی پیشنهادهایی برای آن داشتند. به نظر من، احتیاط‌محض آدم‌های ضعیف و فرهنگ‌های ضعیف است؛ احتیاط مال کسانی است که به دستکاری انسان اعتماد ندارند، اعتماد ندارند که راهی پیدا می‌شود و اعتماد ندارند که می‌توان چیزهای جدیدی یاد گرفت. بنابراین، به جای مسیر ترس، باید مسیر یادگیری و دانش را انتخاب کرد.»

از شناسنامه‌دار شدن تا وثیقه‌گذاری؛ مسیر جدید برای آثار هنری

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی صدور «شناسنامه آثار هنری» را گامی موثر در جهت رونق اقتصاد هنر و تثبیت حقوق هنرمندان دانست.

به گزارش ایسنا، سیدعباس صالحی با بیان اینکه یکی از برنامه‌های چهارگانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، رونق اقتصاد فرهنگ و توسعه صادرات فرهنگی است، گفت: به نظر می‌رسد در تمام آثار هنری، به‌ویژه آثار هنرهای تجسمی یک مشکل اساسی در زمینه شناسنامه آثار و حقوق مالکیت تولیدکنندگان وجود دارد.

او با تأکید بر اینکه این موضوع دغدغه جدی هنرمندان است، ادامه داد: همین نگرانی حتی سبب شده تا خلق اثر بعدی هم متوقف شود در حالی که شناسنامه آثار هنری و سایتی برای ثبت این آثار می‌تواند کمک‌کننده باشد. با رونمایی از شناسنامه این آثار، از این پس برای هر اثر هنری یک شناسنامه منحصر‌به‌فرد صادر می‌شود که برای آن اثر در حکم اوراق امینیتی و هویتی است. شناسنامه متقابل (نهاد) ریاست جمهوری کشته می‌شود. این فیلم می‌توانست آن نیز احراز می‌شود. شناسنامه اثر داری ارزش قانونی است و تنها در یک نسخه صادر می‌شود و المثنی ندارد.

داشته و می‌توانست آن را بهترین فیلمش بداند اما این اتفاق نیفتاد. او درباره این ماجرا گفته است: «فیلمنامه «خروج» خیلی خوب بود و من خوشم آمد و قبول کردم بازی کنم. فیلمنامه ابتدا قبیتال نداشت و آقای حاتم‌کیا گفت با همکاری یکدیگر درست می‌کنیم. خیلی شنیدم که می‌گویند ۲۵ دقیقه اول فیلم فوق‌العاده است ولی بعد از آن شل و ول می‌شود، چون مطابق فیلمنامه ساخته نشد. قبیتال هم خراب شد چون با همفکری هم پیش نرفت، من معتقد بودم کاراکتری که بازی می‌کردم باید درست‌مان مقابل (نهاد) ریاست جمهوری کشته می‌شود. می‌توانست یکی از بهترین کارهای ما باشد اما نشد. همه لطف داشتند و از بازی من تعریف کردند ولی آنچه باید می‌شد، نشد. (در حالیکه) شما اگر در این راه می‌آیی باید شهامتش را هم داشته باشی که پای آن ایستی...»

او در آخرین مصاحبه خود با بیان اینکه بعد از بازنشتی بیشتر مشغول کتاب خواندن و فیلم دیدن است، درباره دلایل خداحافظی خود گفته:

فضای موجود در سینما از عوامل بازنشتی‌گامی بود و علاوه بر آن چون سینمای ایران را می‌شناسم و استاد‌های خود را دیده‌ام، متوجه بودم که برای من ارزش خوبی وجود ندارد. در نقش‌های فرمان‌آری زیادی بازی کرده بودم و من و آقای هاشم‌پور بیشتر این نقش‌ها را بازی می‌کردیم ولی فکر کردم سینمای ما دیگر آن گنجایش را ندارد که برای سن من نقش‌های قهرمانی بنویسد، اصلا الآن آن نوع فیلم‌ها را نداریم در حالی که در هالیود هنوز برای بازیگری مثل کلینت ایستوود این نوع نقش‌ها نوشته می‌شود.

فرهنگ و هنر

اخبار

چالش طراحی بوستر فجر؛ یک طراح برنده شد و ۴۰ نفر ناکام ماندند

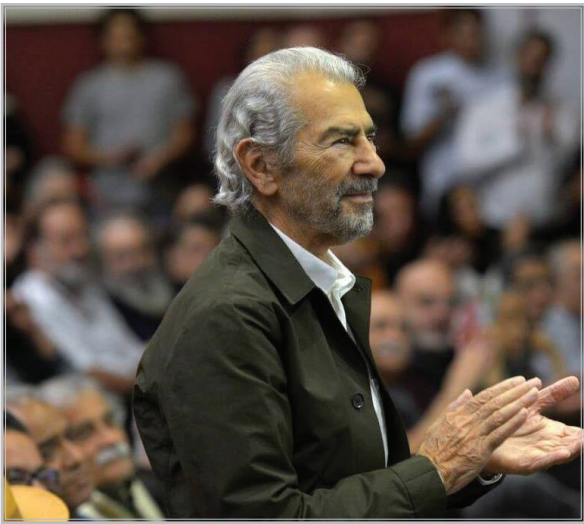


پنجمین جلسه شورای سیاستگذاری چهل‌ویکمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر با رونمایی از بوستر این دوره از جشنواره همراه بود. بابک رضایی مدیرکل دفتر امور موسیقی در این جلسه گفت: «ما بوستر را به مسابقه گذاشتیم و طی همکاری با مرکز هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فراخوان دادیم که حدود ۴۰ اثر به دبیرخانه رسید. شورای کارشناسی، پس از بررسی آثار رسیده هیچکدام از طرح‌ها را برای بوستر جشنواره انتخاب نکرد. بنابراین سفارش طراحی بوستر به آقای بهراد خلیلی از طراحان آذربایجان شرقی داده شد.»

به گزارش خبرنگاران، جلسه شورای سیاستگذاری چهل‌ویکمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر دوشنبه ۲۶ آبان با حضور محمدمهدی احمدی مشاور عالی وزیر و سرپرست معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بابک رضایی مدیرکل دفتر امور موسیقی، اسحاق شکرى مدیرعامل انجمن موسیقی ایران، آرش امینی دبیر چهل‌ویکمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر، مریم نقیبی معاون دفتر امور موسیقی، بهراد خلیلی گرافیکست و طراح بوستر، بهارک پیحوی همکار طراح بوستر و اعضای اصلی و مشورنی شورای سیاستگذاری چهل‌ویکمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر شامل نصیر حیدریان، یهزاد عبیدی، سرتاره بهشتی، شهرام صارمی و ججت فرجیان در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد. در این نشست محمدمهدی احمدی با اشاره به انتظاراتی که از خروجی جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر وجود دارد، گفت: «یکی از کارهای مهم جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر مربوط به شناسایی استعداد‌های درخشان است. من در جشنواره ملی موسیقی جوان هم شاهد نوازندگی و اجرای بسیاری از این استعداد‌های درخشان بودم و به آقای حمیدرضا ادرلان دبیر جشنواره هم گفتم که انتظار چنین نوازندگی‌هایی را از قدما داشتم اما از این جوانان نه؛ برخی استعدادهایی که دیدم جلوتر از سن‌شان نوازندگی می‌کردند و این اجراها غافلگیرکننده‌بود. بحث کشف استعداد‌های درخشان را باید در جشنواره موسیقی فجر هم شاهد باشیم تا بتوان برای رشد آن‌ها برنامه‌ریزی کرد.» سرپرست معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره اضافه‌شدن جایزه «پیامبر رحمت» به چهل‌ویکمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر گفت: «امسال هزار و پانصدمین سال میلاد پیامبر اکرم(ص) است که مورد اتفاق نظر هم برای اهل تسنن و هم اهل تشیع قرار گرفته؛ پس این اسان تصمیم گرفتیم بخشی با این موضوع در جشنواره امسال داشته باشیم و با موسیقی به پیامبران ادای دین کنیم». در بخش دیگری از این جلسه بابک رضایی مدیرکل دفتر امور موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: «ما بوستر را به مسابقه گذاشتیم و طی همکاری با مرکز هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فراخوان دادیم که حدود ۴۰ اثر به دبیرخانه رسید. شورای کارشناسی، پس از بررسی آثار رسیده هیچکدام از طرح‌ها را برای بوستر جشنواره انتخاب نکرد. بنابراین سفارش طراحی بوستر به آقای بهراد خلیلی از طراحان آذربایجان شرقی داده شد.»

آرش امینی دبیر چهل‌ویکمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر نیز در بخش دیگری از این جلسه به ارائه گزارشی از روند آماده‌سازی مقدمات این دوره از جشنواره پرداخت و فیلم کوتاهی از برنامه‌هایی که در نظر گرفته شده را به نمایش گذاشت. بهراد خلیلی طراح بوستر چهل‌ویکمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر نیز درباره طرح خود برای این بوستر گفت: «این بوستر بر پایه یک محور عمودی استوار شده است، محوری که وقار، اصالت و هویت ملی این رویداد را نمایندگی می‌کند. در مرکز اثر، تابلویگرافى قرینه و بی‌نقطه واژه فجر قرار دارد؛ فرمی که از یک واژه فراتر رفته و به نمادی مستقل و قابل تشخیص تبدیل شده است. خطوط طلایی شاویری که پیرامون این محور جریان دارند، تصویرکننده ریتم، حرکت موسیقی‌اند همچون ارتعاشی زنده که بر تار و پود بوستر جاری شده است.» او درباره رنگ‌آمیزی بوستر گفت: «پس‌زمینه‌ای عمیق در کنار درخشش طلایی و تأکیدات قرمز، جلال، شکوه و نور جشنواره را بازتاب می‌دهد. این بوستر تلاشی است برای آن که موسیقی، مفهوم فجر و شکوه یک رویداد سراسری در قالبی معاصر، هویت‌مند و اثرگذار به تماشای گذاشته شود.»

در پایان این جلسه مشترک، از بوستر چهل‌ویکمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر رونمایی شد.



...از قیصر تا خائن‌کشی... و من پس از هفتاد و پنج سال رفافت و بازی در هفت فیلمت و ... خوب می‌دانم که چه لذت‌بخش است برای یک بازیگر تا مقابل دوربین تو باشد.»

قربیبیان که حسرت بازی در فیلمی به کارگردانی علی حاتمى برایش باقی مانده، درباره ممنوعیت‌هایی که سال‌ها قبل برای برخی بازیگران رخ داده، معتقد است، «حسن سینما در این است که اگر قرار باشد کسی ستاره شود با همه جلوه‌گری‌ها و موانع ستاره می‌شود.»

او در نوجوانی با مسعود کیمیایی و اسفندیار منفردزاده یا به قول خودش «اسفند»، دوست و هم‌محله‌ای بوده و هر سه ستاره‌هایی بی‌تکرار در عالم سینما شدند. رفاقت فرامرز قربیبیان و مسعود کیمیایی تا آنجاست که زمستان سال گذشته در پنجاه و پنجمین سالگرد اولین نمایش فیلم «قیصر» در فرهنگسرای نیاوران، نامه‌ای صمیمانه و محبت‌آمیز برای کیمیایی فرستاد و از خاطره اولین باری که با هم در سینما، «اسپارتاکوس» را دیده بودند یاد کرد، «حتما یاد هست، هنگام فینالش، بی‌محابا با یکدیگر بغض کردیم، اشک ریختیم و گریه‌کردیم، گریستن به خاطر عظیم آن قدرت حاکم بر آن مردان سخت‌کوش و عدالتخواه ولی تنها و بی‌باور، که همیشه در هر جامعه‌ای بوده و هستند.»

قربیبیان که خودش نتوانسته بود در آن مراسم حضور داشته باشد، در نامه‌اش با اشاره به مرگ مرحومین و کیارستمی، خانه نشینی تقوایی (پیش از درگذشت در مهرماه ۱۴۰۴) و هجرت بیضایی، از کیمیایی خواسته بود: در این سینمایی که فقط تو در آن مانده‌ای، ماندنی که تاوان سنگینی داشته، باید فیلم بسازی. خیلی‌ها آمدند و رفتند ولی تو ماندی و جنگیدی و سرسختانه ساختی، بساز مسعود جان... که سینمای ایران مدیون توست.